

## تفکیک اخلاق زیستی و حقوق زیستی

(مقاله علمی-پژوهشی)

محمد راسخ\*

فاطمه دومانلو\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

### چکیده

اخلاق زیستی رویکردی میان‌رشته‌ای است که به بررسی مسائل اخلاقی برخاسته از به‌کارگیری علوم و فناوری‌های زیستی در زندگی انسان و غیرانسان می‌پردازد. با این حال، در ادبیات این رشته به تحلیل‌ها و استدلال‌هایی از جنسی دیگر، به‌ویژه حقوق و عدالت، فراوان برمی‌خوریم. حقوق و اخلاق گرچه هر دو در دسته معارف هنجاری جای می‌گیرند، از نگاهی متفاوت به مسائل می‌پردازند. متخصصان این حوزه‌ها اغلب بی‌توجه به تمایز «امر اخلاقی» و «امر حقوقی»، از مفاهیمی مانند حق اخلاقی سخن می‌رانند. با تحلیل دقیق می‌توان نشان داد چگونه این خلط‌های مفهومی به نتایج نادرست و تناقض در مباحث بایدانگار مربوط به علوم و فناوری‌های زیستی می‌انجامد. تتبع در حقوق و اخلاق زیستی و تحدید دقیق قلمروی هر یک با تکیه بر ویژگی‌های تمایزبخش حقوق و اخلاق می‌تواند از وقوع این خلط‌های مفهومی پیشگیری کند. در این پژوهش برآنیم با طرح و تحلیل محورهای چهارگانه «هدف»، «قلمرو»، «تولید قاعده» و «ضمانت اجرا»، با ارائه مثال‌هایی از مسائل اخلاق زیستی، تفاوت‌های اخلاق و حقوق را به بحث بگذاریم. پس از آن به‌اجمال به دسته‌سومی از هنجارها، یعنی هنجارهای متعلق به حوزه حق و عدالت، اشاره خواهیم کرد که همانند حقوق، ناموجه یا به قلمرو اخلاق زیستی نهاده‌اند. بی‌اعتنایی به تمایز اخلاق و حقوق، به‌ویژه در مقام قانون‌گذاری و قضا، به نقض بی‌طرفی و سوگیری قانون به جانب یک دیدگاه اخلاقی می‌انجامد. بدین ترتیب، به‌جای آنکه سیاست بستری را برای هم‌زیستی دیدگاه‌های متنوع اخلاقی فراهم آورد، عرصه را بر دیدگاه‌های اخلاقی متفاوت با اخلاق حاکم تنگ می‌کند. نظامی که در آن برخی اخلاق‌ها مجال ابراز وجود نمی‌یابند قطعاً از عدالت به‌دور است.

### کلیدواژه‌گان:

اخلاق زیستی، امر اخلاقی، امر حقوقی، حق، عدالت.

\* مرکز تحقیقات ریزفناوری زیستی، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاددانشگاهی - ابن‌سینا، استاد فلسفه و حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m-rasekh@sbu.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه، مرکز تحقیقات ریزفناوری زیستی، پژوهشکده فناوری‌های نوین علوم پزشکی جهاددانشگاهی - ابن‌سینا، تهران، ایران

f.domanloo@avicenna.ac.ir

## مقدمه

«عمل» آدمی به معنای دقیق کلمه، که از جمله درآمیخته با اختیار است، معروض داوری ارزشی است. افزون بر این، حوزه‌های عمل انسان بسیار گوناگون‌اند و به همین سبب قلمروهای متنوع بایدانگار پیرامون آن حوزه‌ها شکل گرفته‌اند. «اخلاق زیستی» یکی از آن قلمروهاست که به مسائل اخلاقی برخاسته از به‌کارگیری علوم و فناوری‌های زیستی در زندگی انسان و غیرانسان می‌پردازد. هرآنچه به زیست طبیعت و جانداران از آغاز تا پایان حیاتشان مربوط باشد، در دامنه اخلاق زیستی می‌گنجد. پیشرفت دائمی علم و دانش و در پی آن ظهور فناوری‌های جدید این دامنه را وسیع و وسیع‌تر می‌کند. اکنون، به مدد علم و فناوری، بشر به انجام دادن کارهایی تواناست که شاید در قرون گذشته حتی به خواب هم نمی‌دید. پس موضوعاتی از باروری، پیشگیری از بارداری، اهدای گامت، لقاح مصنوعی، سقط جنین، روابط جنسی، دستکاری ژن‌ها، توان‌افزایی، شبیه‌سازی، پژوهش بر حیوانات، گونه‌های گیاهی و جانوری در حال انقراض و تغییرات جوی گرفته تا پیوند عضو، مرگ مغزی، خودکشی و به‌مرگی (مرگ آسان)، در قلمروی اخلاق زیستی جای می‌گیرند. چنان‌که از نام این رشته پیداست، قرار است در این رشته موضوعات پیش‌گفته از منظر اخلاق بررسی و درست و غلط آنها مستدلاً نمایانده شود. اما، چه‌بسا به مواردی برمی‌خوریم که زیرعنوان اخلاق زیستی به میان آورده شده‌اند، ولی درواقع، از منظری دیگر به آنها روی شده است.

دوگانه‌های درست-نادرست، خوب-بد، گناه-ثواب، حق-باطل، مجاز-ممنوع و مانند آنها در گفتار روزمره فراوان به کار می‌روند و همه نیز به بایدها و نبایدها اشاره دارند؛ همگی از جنس «باید» و «تجویز» هستند، نه از جنس «است» و «توصیف». به دیگرسخن، آنها نمی‌خواهند بگویند واقعیت چیست، بلکه می‌خواهند بگویند واقعیت را به چه شکلی باید درآورد؛ چگونه باید اندیشید یا چه باید کرد.<sup>۱</sup> بدین‌سان، باید و نبایدها همه از هر جنسی باشند به حوزه هنجارها تعلق دارند و می‌توان گفت هنجار مقسم است و دوگانه‌های یادشده هر کدام بیانگر قسمی خاص از آن مقسم.

۱. برای نمونه، نک: نیگل، تامس، *اخلاق‌شناسی*، ترجمه جواد حیدری، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۳، ص ۲۰.

موضوع بحث این جستار اخلاق زیستی است، اما از نظرگاهی متفاوت. مقصود آن است که نشان داده شود چگونه باید یا هنجارهایی از جنس یا از قسمی دیگر وارد محدوده اخلاق زیستی شده و به جای هنجارهای اخلاقی نشسته‌اند. باید توجه داشت که خلط هنجارها به دو صورت رخ می‌دهد: نخست، برخی از مسائل، مانند سقط جنین، را از منظرهای هنجاری مختلف (مثلاً حقوق و اخلاق هر دو) می‌توان بررسی کرد. دوم، مفهوم یا نهادی که به نحو اولی متعلق به یک قلمرو هنجاری است، مانند مالکیت (متعلق به حقوق)، از قلمرو بایدانگار دیگر سردر می‌آورد.

این قبیل خلط منظرها و درهم آمیختن اقسام به سبب بی‌توجهی به تمایز انواع هنجارها رخ می‌دهند. برای فهم آنکه در هر قسم یا دستگاه بایدانگار از چه مسائلی بحث می‌شود، استدلال‌ها از چه نوع‌اند و کدامین مفاهیم به کار گرفته می‌شوند، باید وجوه ممیز انواع بایدها یا هنجارها را شناخت. باری، چنان‌که پیش‌تر آمد، تمرکز این مقاله بر اخلاق زیستی است.

مطالعه ادبیات اخلاق زیستی نشانگر آن است که این حوزه بایدانگار بیش از هر حوزه دیگر با بایدهای حوزه حقوق درآمیخته است. از این‌رو، پرسشی مهم جلوه‌گر می‌شود: آیا اخلاق زیستی و حقوق زیستی از یک نوع‌اند، به قلمرویی واحد تعلق دارند، یا آنکه از یکدیگر متمایزند؟ برای یافتن پاسخی موجه به این پرسش باید نخست ویژگی‌های تمایزبخش اخلاق و حقوق را جست تا در صورت دست یافتن به ملاک‌های تمایز، بتوان این دو شاخه (اخلاق زیستی، حقوق زیستی) از آن دو عنوان کلی (اخلاق و حقوق) را به روشی معنادار و موجه از هم جدا کرد. بر این اساس، در مباحث بعدی خواهیم کوشید تمایز حقوق و اخلاق را با کمک مثال‌هایی از حوزه زیست‌پزشکی توضیح دهیم. در انتها با تحلیل دو موضوع «حقوق زیستی» و «بهداشت عمومی» نوع سومی را در مقایسه و برای تکمیل بحث معرفی خواهیم کرد.

## ۱. تمایز حقوق و اخلاق

شاید بتوان با تمرکز بر چهار محور «هدف»، «قلمرو»، «تولید قاعده» و «ضمانت اجرا» به برخی وجوه ممیز میان اخلاق و حقوق دست یافت. به دیگر سخن، حقوق و اخلاق هدف‌های متفاوتی را پی می‌گیرند، احکام آنها بر قلمروهای زمانی و مکانی متفاوتی اعمال می‌شوند، نحوه تولید قواعد یا مرجع تصویب قوانین در آنها متفاوت است و تضمین اجرای احکام در هر یک از

آنها به گونه‌ای خاص است. شایان ذکر است که ویژگی‌های پیش‌گفته به استقرا گرد آمده‌اند و، از این رو، سیاهه‌ای باز را تشکیل می‌دهند، سیاهه‌ای که قابل کاهش و افزایش است. در ادامه محورهای یادشده را با آوردن مثال‌هایی از پهنه زیست‌پزشکی توضیح خواهیم داد.

### ۱.۱. هدف

غربالگری جنین در دوره بارداری برای تشخیص بیماری‌ها و ناهنجاری‌ها یکی از امکاناتی است که به مدد فناوری‌های زیستی فراهم آمده است. تشخیص ناهنجاری گزینه سقط یا در مواردی معدود، درمان را پیش‌روی والدین و پزشک می‌نهد. پیش از ابداع تکنیک‌های غربالگری، نوزاد سالم یا معلول و بیمار متولد می‌شد و اگر ناهنجاری او قابل درمان نبود، یا می‌مرد یا به زندگی با بیماری یا معلولیت تا پایان عمرش ادامه می‌داد و در هر دو حالت رنج و عذابی الیم برای خود، والدینش و دیگران به بار می‌آورد. اکنون پژوهشگران و پزشکان می‌کوشند با تشخیص زودهنگام این ناهنجاری‌ها مانع تولد نوزادان بیمار، ناقص یا معلول شوند. نوزاد بیمار یا معلول، فارغ از رنجی که بر دوش والدین و اطرافیانش تحمیل می‌کند، هزینه‌های بسیاری هم برای جامعه به بار می‌آورد؛ از هزینه‌های درمان گرفته تا مثلاً هزینه‌های فراهم کردن تسهیلات مناسب زندگی شهری برای افراد معلول.<sup>۱</sup>

به این موضوع دو رویکرد می‌توان اتخاذ کرد. گاه حفظ بقای جامعه و تامین نظم و امنیت جمعی و سامان بخشیدن به امور اجتماعی باید در نظر گرفته شود، گاه تعالی و کمال انسان و پروردن فضایل در او مطمح نظر واقع می‌شوند. دو عنوان کلی یادشده در واقع نمایانگر دو نوع هدف‌اند؛ اولی را نظام حقوقی و دومی را نظام اخلاقی برمی‌گزیند.<sup>۲</sup> حال مسئله غربالگری را می‌توان از این منظر کاوید. در بسیاری از کشورها غربالگری دوره بارداری تحت پوشش بیمه یا

1. Stabile, M., Allin, S. "The Economic Costs of Childhood Disability", *The Future of Children* 22, 2012: pp 65-96.

۲. لاک، جان، *رساله‌ای درباره حکومت*، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳؛ کانت، ایمانوئل، *فلسفه فضیلت*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ ششم، ۱۳۹۹، صص ۴۲-۴۰؛ کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴، ص ۵۸.

گاه به‌رایگان انجام می‌شود.<sup>۱</sup> این سیاست گرچه هزینه‌هایی را بر دولت تحمیل می‌کند، در نهایت با پیشگیری از هزینه‌های نگهداری از افراد معلول و بیمار به نفع جامعه خواهد بود. بنابراین قانون‌گذار با هدف بهبودی سامان اجتماعی و تأمین رفاه بیشتر به وضع این قانون اقدام کرده است.<sup>۲</sup> اما اخلاق نگاه دیگری به این مسئله دارد. مادری که تن به غربالگری نمی‌دهد و باور دارد باید فرزند خود را بدون قید و شرط دوست بدارد و با روی گشاده او را بپذیرد، فضیلت مهربانی و فداکاری را در خود می‌پرورد.<sup>۳</sup> مادری هم که نمی‌خواهد فرزندی بیمار و معلول به دنیا بیاورد، چون تاب دیدن درد و رنج فرزند را ندارد، متصف به فضیلت نوع‌دوستی است.<sup>۴</sup> بدین ترتیب، هدف امر و نهی‌های اخلاقی پروردن صفات و ملکات نیکوی اخلاقی در آدمی است.<sup>۵</sup> دستور اخلاقی اگر ملکه‌ای نیکو را در وجود آدمی نپرورد، به مقصود دست نیافته و ناکام مانده است.<sup>۶</sup> انسان‌ها به راستگویی مکلف می‌شوند تا راستگو بودن را تمرین کنند. دستور به راستگویی در غایت خود باید انسانی آراسته به صفت راستگویی تربیت کند. هدف نظام حقوقی گاه تضمین

۱. برای نمونه سونوگرافی غربالگری سه‌ماهه دوم در کشورهای سوئیس، انگلستان، آلمان، هلند، نروژ و ایتالیا رایگان است:

Austrian Institute for Health Technology Assessment (aihta), **Regulation and financing of prenatal screening and diagnostic examinations for fetal anomalies in selected European countries: Policy Brief**, Vienna (April 2022), available at: [https://eprints.aihta.at/1369/1/Policy%20Brief\\_012.pdf](https://eprints.aihta.at/1369/1/Policy%20Brief_012.pdf) (Last visited on 8/21/2022).

در اتریش هم همه هزینه‌های مراقبت بارداری رایگان است:

Austrian Federal Chancellery, **Family Guide: Services for families in Austria**, Vienna (2019), Available at: <https://www.familienberatung.gv.at/en/topics/FamilienGuide.html> (Last visited on 8/27/2022).

2. Wald, N.J., Kennard, A., Hackshaw, A., McGuire, A. "Antenatal screening for Down's syndrome", *Health Technology Assessment* 2, 1998: 181-246; Prusa, A-R, Kasper, D.C., Sawers, L., Walter, E., Hayde, M., Stillwaggon, E. "Congenital toxoplasmosis in Austria: Prenatal screening for prevention is cost-saving". *PLOS Neglected Tropical Diseases* 11 (7), 2017, pp 1-24.

3. Asch, A., Wasserman, D. "Where is the Sin in Synecdoche?" In Wasserman, D., Wachbroit, R.S., and Bickenbach, J.E. (eds.), *Quality of life and human difference: genetic testing, health care, and disability*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005, p 202;

پورمحمدی، نعیمه، *ژن بد! اخلاق آزمایش غربالگری و سقط جنین گزینشی*، قم: کتاب طه، ۱۳۹۹.

4. Case, M. "Abortion, the Disabilities of Pregnancy, and the Dignity of Risk". In Cohen, I., Shachar, C., Silvers, A., Stein, M. (eds.), *Disability, Health, Law, and Bioethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2020, p 62.

5. Gert, B. *Morality, It's Nature and Justification*, Oxford: Oxford University Press, 2005, p 348.

۶. راسخ، محمد، مائده تسخیری، علیرضا اسکندری و فائزه عامری، *امر اخلاقی و حق*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۸، شماره ۸۷، صص ۴۷-۱۹.

«آزادی» تصمیم‌گیری برای مادران است. مادران اساساً با دارا بودن این آزادی است که امکان انتخاب گزینه‌های مختلف اخلاقی را به دست می‌آورند؛ اگر چه لزوماً همواره این انتخاب را در جهت اخلاقی به کار نگیرند. بدین‌سان، قانون در بسیاری موارد در پی آن است که بدون وارد شدن به بحث‌های اخلاقی، آزادی انتخاب اخلاقی والدین را تضمین کند.<sup>۱</sup> در مقابل، هدف قواعد اخلاقی همواره در گستره‌ای ماهوی رخ می‌نمایند؛<sup>۲</sup> سعادت‌مندی،<sup>۳</sup> حصول فضایل مختلف و مانند آنها هدف‌هایی کاملاً متمایز با اهداف قواعد حقوقی‌اند.<sup>۴</sup> چه آنکه مادر با استفاده از آزادی انتخاب که قانون برای او تضمین کرده است می‌تواند براساس اصول و احکام اخلاقی‌اش، درخصوص بارداری خود تصمیم بگیرد.

## ۱.۲. قلمرو

امروزه به مدد فناوری زیستی این امکان برای افراد مهیا شده است که جنس فرزند خود را انتخاب کنند. پیش از ابداع تکنیک‌هایی مانند غربالگری اسپرم یا PGD<sup>۵</sup>، در بسیاری از فرهنگ‌هایی که جنس مذکر را بر جنس مونث برتر می‌دانستند، سقط جنین یا کشتن نوزاد دختر رایج بود،<sup>۶</sup> و چه‌بسا هنوز هم در گوشه و کنار جهان رایج باشد. ناگفته پیداست سقط جنین یا نوزادکشی صرفاً به بهانه جنسیت، امری اخلاقاً ناروا و نابخشودنی است.<sup>۷</sup> اما آیا انتخاب یا تعیین جنس جنین، به خودی‌خود، بی‌آنکه مستلزم از بین بردن جنینی باشد، اخلاقاً قابل سرزنش است؟ تبعیض جنسی، کالانگاری و نقض کرامت انسانی که متولد می‌شود، اختلال در نسبت جنسی جمعیت و تخصیص منابع محدود به امری که وجه درمانی ندارد، از جمله دلایلی‌اند که معمولاً در

۱. سندل، مایکل، *عدالت: کار درست کدام است؟*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۹۳، ص ۳۲۶.

2. Louden, R.B. *Morality and moral theory: A reappraisal and reaffirmation*, Oxford: Oxford University Press, 1992, p 33; Annas, J. "Virtue Ethics", in Copp, D. (ed.), *The Oxford Handbook of Ethical Theory*, Oxford: Oxford University Press, 2006, p 520.

3. eudaimonia

۴. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، پیشین، صص ۶۱-۵۸.

5. preimplantation genetic diagnosis

6. Unisa, S., Pujari, S., Usha, R. "Sex Selective abortion in Haryana: Evidence from pregnancy history and antenatal care", *Economic and Political Weekly* (6), 2007: 60-6; United Nations, **Programme of Action of the International Conference on Population and Development**, New York (1994), Paragraph 4.16. Available at [https://www.unfpa.org/sites/default/files/event-pdf/PoA\\_en](https://www.unfpa.org/sites/default/files/event-pdf/PoA_en). (Last visited on 8/16/2022).

7. Rogers, W., Ballantyne, A., Draper, H. "Is sex-selective abortion morally justified and should it be prohibited?", *Bioethics* 21, 2007, pp 520-4.

مخالفت با تعیین جنس جنین طرح می‌شوند.<sup>۱</sup> اما در سوی دیگر ماجرا، قانون‌گذار که دغدغهٔ تامین نظم و امنیت و برقراری عدالت اجتماعی را دارد، ممکن است از منظری دیگر به موضوع بنگرد. گرچه در بسیاری از نظام‌های حقوقی تعیین جنس جنین جز به دلایل پزشکی (بیماری‌های وابسته به جنس مانند هموفیلی) یا در مواردی خاص ممنوع است، در برخی کشورها توجه به مصلحت عمومی، قانون‌گذار را از وضع چنین ممنوعیتی باز داشته است.<sup>۲</sup> در فرهنگ‌هایی که داشتن فرزند پسر مایهٔ مباحات و داشتن دختر مایهٔ شرمساری است، ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تعیین جنس، افراد را به سوی نوزادکشی یا سقط غیرقانونی جنین سوق می‌دهد و این امر فارغ از قبح اخلاقی آن، سلامت زنان را، که ناچارند تن به سقط جنین نایمن و غیربهداشتی بدهند، به جد تهدید می‌کند.<sup>۳</sup> پیداست که موضع‌گیری حقوق در برابر موضوعی واحد ممکن است از مکانی به مکان دیگر یا از زمانی به زمان دیگر تغییر کند. تعیین جنس در برخی کشورها قانونی<sup>۴</sup> و در برخی دیگر غیرقانونی است<sup>۵</sup> و چه بسا در کشورهایی که قانونی بوده است، با رفع موانع یا تحولات فرهنگی غیرقانونی اعلام شود. بنابراین، قلمرو حقوق محدود به مکانی مشخص (واحد سیاسی دولت ملی) و بازهٔ زمانی مشخص (از شکل‌گیری قانون تا نسخ عملی یا رسمی آن) است.<sup>۶</sup> قانون علی‌الاصول معطوف به آینده است و در اصطلاح حقوقی، عطف‌بماسبق

1. Dahl, E. "The 10 most common objections to sex selection and why they are far from being conclusive: a Western perspective", *Ethics, Law and Moral Philosophy of Reproductive Biomedicine* 2 (1), 2007, p 159.

۲. انتخاب جنسیت در کشور آذربایجان ممنوع نیست.

World Bank Group, **Azerbaijan Systematic country diagnostic**, Washington, D.C. (2015), p. 94, Available at: <http://hdl.handle.net/10986/23105> (Last visited on 8/21/2022).

3. OHCHR, UNFPA, UNICEF, UN Women and WHO, **Preventing gender-biased sex selection: an interagency statement**, (2012), available at <https://www.who.int/publications/i/item/9789241501460> (Last visited on 8/16/2022).

۴. تعیین جنسیت در قبرس شمالی قانونی است. نک:

KNEWS, The English Edition of Kathimerini Cyprus, **Sex selection in Cyprus raises ethical issues**, (October 2018), Available at <https://knews.kathimerini.com.cy/en/news/sex-selection-in-cyprus-raises-ethical-issues>, (Last visited on 8/17/2022); <https://exclusiveivfcyprus.com/ivf-treatments/pgd-for-gender-selection/> (Last visited on 8/17/2022).

۵. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی، مانند انگلستان و فرانسه، نظام حقوقی ایالات متحده استفاده از PGD

برای انتخاب جنسیت جنین را منع نکرده است. نک:

Bayefsky, M. "Who should regulate preimplantation genetic diagnosis in the United States?", *AMA Journal of Ethics* 20 (12), 2018, pp1160-7.

6. See: MacCormick, N. "Comment", In Gavison, R. (ed.), *Issues in Contemporary Legal Philosophy: The Influence of H. L. A. Hart*, Oxford: Clarendon Press, 1987, p 108;

هرستر، دتلف، **قانون و اخلاق**، ترجمهٔ محمدحسن خویشتن‌دار، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۴۰۰.

نمی‌شود. به دیگر بیان، قانون قاعداً به اعمالی که پیش از وضع شدنش انجام شده‌اند تعلق نمی‌گیرد، مگر در مواردی کاملاً استثنایی.<sup>۱</sup> در مقابل، احکام اخلاقی اصولاً به زمان و مکان محدود نمی‌شوند. اخلاق گریزناپذیر است.<sup>۲</sup> اعمال آدمی همواره معروض داورى اخلاقی قرار می‌گیرند، فقط و فقط از آن‌روی که انسان موجودی عاقل و مختار است و هیچ قید دیگری هم، جز عقل و اختیار، در میان نیست.<sup>۳</sup> آن داورى اخلاقی که خودآیینانه انجام شده باشد و فرد درباره‌ی درستی آن به اقتناع رسیده باشد، اصولاً همیشه و همه‌جا معتبر است.

### ۳.۱. تولید قاعده

تشکیل خانواده و فرزندآوری معمولاً جزء روند عادی و طبیعی زندگی آدمیان تلقی می‌شود. این موضوع که افراد با چه کسی ازدواج کنند یا چند فرزند به دنیا بیاورند، معمولاً به انتخاب و تصمیم شخصی آنان وابسته است. اما گاه ملاحظاتی، از انواع مختلف، آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری افراد را از آنان سلب می‌کنند. برای نمونه، در کشور چین ملاحظات جمعیتی دولت را ناگزیر از وضع قوانینی کرده‌اند که تعداد فرزندان هر خانواده را محدود می‌کنند. یا از سوی دیگر، اغلب قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی ازدواج دو فرد هم‌جنس را به رسمیت نمی‌شناسند<sup>۴</sup> و حتی اگر در شماری اندک از نظام‌های حقوقی ازدواج آنان قانونی تلقی شود، اجازه‌ی فرزندآوری، با استفاده از روش‌های کمک‌باروری، مانند اهدای گامت، به آنان داده نمی‌شود.<sup>۵</sup> همچنین، تشکیل

۱. نک: راسخ، محمد، *ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون*، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت*، جلد ۲، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۳، صص ۷۵-۱۰۴.

2. Williams, B. *Ethics and the Limits of Philosophy*, London: Routledge, 2006, p 176.

3. Gert, B., Gert, J. *The Definition of Morality*, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2017 Edition), Edward N. Zalta (ed.), Available at <https://plato.stanford.edu/archives/fall2017/entries/morality-definition/> (Last visited on 12/19/2022).

۴. گفتنی است که، به دلیل اختلاف‌نظر اخلاقی و پیامدهای حساس اجتماعی-سیاسی این گونه اختلافات، هم‌جنس‌گرایی در ۶۹ کشور دنیا غیرقانونی اعلام شده است:

BBC, *Homosexuality: The countries where it is illegal to be gay*, 12 May 2021, Available at: <https://www.bbc.com/news/world-43822234> (Last visited on 8/28/2022).

۵ برای نمونه در سوئیس تنها اهدای اسپرم آن هم به زوجین غیرهم‌جنس قانونی مجاز است:

The Federal Assembly of the Swiss Confederation, *Federal Act on Medically Assisted Reproduction*, 18 Dec. 1998, Status as of 1 July 2022, Art. 3.

با این حال روابط هم‌جنس‌گرایانه در سوئیس به رسمیت شناخته می‌شود:

The Federal Assembly of the Swiss Confederation, *Federal Act on the Registered Partnership between Same-Sex Couples*, 18 June 2004, Status as of 1 July 2022.



خانواده و فرزندآوری از پیچیده‌ترین چالش‌های اخلاقی‌اند که هر فرد در طول زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود.<sup>۱</sup> آیا باید ازدواج کرد و تعهد دائمی وفاداری داشت؟ آیا هر فرد باید با یک نفر ازدواج کند یا چندهمسری اخلاقاً قابل دفاع است؟ آیا گرایش به یک هم‌جنس انحرافی اخلاقی است و باید در مقابل وسوسه آن مقاومت کرد یا امری طبیعی، اجتناب‌ناپذیر و اخلاقاً جایز است؟ آیا فرزندآوری اساساً یا در هر شرایطی پسندیده و اخلاقاً لازم است؟ آیا یک کودک به یک زن در مقام مادر و یک مرد در مقام پدر نیاز دارد، تا سلامت و بهداشت روانی‌اش تأمین شود، یا خانواده‌ای متشکل از دو زن یا دو مرد هم به همان اندازه خانواده سنتی می‌تواند پاسخگوی نیازهای کودک باشد؟<sup>۲</sup> همه این موارد، و بسیاری دیگر، پرسش‌هایی هستند که هر فرد بسته به باورها و اصول اخلاقی خود درباره آنها به داوری می‌نشیند و دست به انتخاب می‌زند. تشخیص و انتخاب درست اخلاقی امری «شخصی»، «اقتاعی» و «خودآیین» است که فرد باید با اندیشه و استدلال و سنجیدن دیدگاه‌های مختلف درباره آن به نتیجه برسد.<sup>۳</sup> چنین نیست که در برابر چالش‌های اخلاقی دشوار و جان‌فرسا باید قانونی جهان‌شمول و از پیش موجود، که به تصویب مرجعی مشروع و مقتدر رسیده باشد، به کمک آدمی بیاید و تکلیف او را روشن کند.<sup>۴</sup> مرجع قاعده‌گذاری اخلاقی و تصمیم‌گیری و داوری خود فرد و در واقع دستگاه معرفتی اوست.<sup>۵</sup> پس داوری ماهوی در باب چگونگی زندگی خانوادگی افراد وابسته به تشخیص و تصمیم اقتاعی خود آنان است.

باری، آنجا که پای قانون و حقوق به میان می‌آید تولید قاعده به روشی دیگر اتفاق می‌افتد؛<sup>۶</sup> قاعده به روشی «غیرشخصی»، «آمرانه» و «دگرآیینانه» تولید می‌شود.<sup>۷</sup> به همین دلیل، بسا که

1. See: Brake, E. *Minimizing Marriage: Marriage, Morality, and the Law*, New York: Oxford University Press, 2012; Overall, Ch. *Why Have Children?: The Ethical Debate*, Cambridge Mass: MIT Press, 2012.

2. Kranz, D. "On the Attribution of Parental Competence: Parents' Behavior Matters, not Their Sexual Orientation", *J Child Fam Stud*, 2022; Baiocco, R., Carone, N., Ioverno, S., Lingiardi, V. "Same-Sex and Different-Sex Parent Families in Italy: Is Parents' Sexual Orientation Associated with Child Health Outcomes and Parental Dimensions?", *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics* 39 (7), 2018, pp 555-563.

3. Annas, *op. cit.*, p 518.

4. Dworkin, R. "Lord Devlin and the enforcement of morals", *The Yale Law Journal* 75 (6): 1966, p 997.

5. Korsgaard, C.M. "Kant's Analysis of Obligation: The Argument of Foundations I", *The Monist* (73), 1989, pp 311-340; Weinrib, E.J. "Law as a Kantian idea of reason", *Columbia Law Review* 87(3), 1987, p 502.

۶. هرستر، دتلف، پیشین.

7. MacCormick, N. "The Concept of Law and 'The Concept of Law'", *Oxford Journal of Legal Studies* 14(1), 1994, pp 1-23.

داوری اخلاقی فرد با تکلیف حقوقی او تعارض پیدا کند. در حقوق، قوانین را نه افراد بلکه مرجعی مشروع و ذی صلاح، به پشتوانه اقتدار سیاسی، وضع و تصویب می‌کند.<sup>۱</sup> اینکه مرجع صالح و مشروع قانون‌گذاری کیست، در نظریه‌های حقوقی مختلف پاسخی متفاوت دریافت می‌کند،<sup>۲</sup> اما آنچه در اینجا محل تأکید ماست، اصل وجود چنین مرجعی در حوزه حقوق و نبود آن در سپهر اخلاق است.<sup>۳</sup>

آنچه برخی فلاسفه حقوق با عنوان «قاعده شناسایی» از آن یاد می‌کنند،<sup>۴</sup> اشاره به همین تفاوت میان حقوق و اخلاق است. ویژگی انواع نظم‌های پیشاحقوقی حیات اجتماعی عدم قطعیت است. بدان معنا که «اگر در تشخیص آن قواعد یا قلمرو دقیق برخی از آنها تردیدی پیش آید، رویه‌ای برای رفع این تردید وجود ندارد، نه با ارجاع به متنی معتبر و نه به مقامی رسمی که اظهار او در این خصوص معتبر باشد».<sup>۵</sup> از آن‌رو که حقوق، برای برآوردن هدف خود (از جمله) در تنظیم و ابقای نظم عمومی، نیازمند قطعیت نسبی است، نیازمند قواعد و فرایندهایی است که تولید قاعده و معنا و تفسیر آن را به روشنی مشخص نمایند و تکلیف مخاطبان خود را تعیین کنند.<sup>۶</sup> وضعیت در خصوص اخلاق بی‌گمان متفاوت است. قواعد و اصول اخلاقی را عقل خودبنیادی وضع می‌کند که سرمایه مشترک همه انسان‌هاست.<sup>۷</sup> هر انسان، از آنجا که موجودی عاقل است، بر این گونه قواعد و اصول صحنه می‌گذارد.<sup>۸</sup>

۱. هابز، توماس، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴.

۲. نک: راسخ، محمد، *بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

۳. Gert, op. cit., p 362.

۴. See: Bix, B., *A Dictionary of Legal Theory*, Oxford: Oxford University Press, 2004; Coleman, J.L., "Negative and Positive Positivism", *The Journal of Legal Studies* 11(1), 1982, pp 139-164.

۵. هارت، هربرت، *مفهوم قانون*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶.

۶. راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، صص ۷۵-۱۰۴.

Schneider, C.E. "Moral discourse, bioethics, and the law", *The Hastings Center Report* 26 (6), 1996, pp 37-39.

۷. Kant, I., *Groundwork of the Metaphysics of Morals*, Translated and Edited by Mary Gregor, Cambridge: Cambridge University Press, 1997, pp 2-3 (4:389).

۸. Hursthouse, R., Glen P. *Virtue Ethics*, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2022 Edition), Edward N. Zalta & Uri Nodelman (eds.), Available at <https://plato.stanford.edu/archives/win2022/entries/ethics-virtue/> (Last visited on 12/19/2022).

بنابراین، در برخی موارد، تکلیف قانونی افراد را، درباره اینکه آیا می‌توانند مثلاً با فرد هم‌جنس خود ازدواج کنند یا پنج فرزند داشته باشند، مرجع قانون‌گذاری در یک نظام سیاسی تعیین می‌کند. نظام حقوقی انگلستان، برای نمونه، ازدواج مرد با مرد و زن با زن را به رسمیت می‌شناسد و حتی به آنان اجازه فرزندآوری با استفاده از خدمات کمک‌باروری با مداخله ثالث را می‌دهد.<sup>۱</sup> اما تصمیم‌گیری اخلاقی در این باره بر عهده خود فرد است؛ اگر ازدواج با هم‌جنس خود و فرزندآوری با استفاده از گامت شخصی دیگر را خلاف اخلاق بیابد، در نتیجه، از امکانی که قانون مصوب مرجع ذی‌صلاح در اختیار او نهاده استفاده نمی‌کند.

تفاوت اخلاق و حقوق در تولید قاعده را می‌توان به تعبیر پروفیسور مک‌کورمیک با ادبیات «خودآیینی»<sup>۲</sup> در مقابل «دگرآیینی»<sup>۳</sup> و «شخصی»<sup>۴</sup> در مقابل «نهادی»<sup>۵</sup> هم توضیح داد. اخلاق خودآیین و شخصی است، اما حقوق دگرآیین و نهادی. خودآیینی ترجمه اراده آزاد است. خودآیینی یعنی برای خود قاعده وضع کردن: خودقاعده‌گذاری.<sup>۶</sup> شخص صاحب اختیار که گزینه‌های مختلفی برای تصمیم‌گیری و عمل پیش‌رو دارد، با بررسی وجوه مختلف موضوع و توزین استدلال‌های اخلاقی که له یا علیه هر انتخاب طرح می‌شوند، دست به انتخاب گزینه‌ای می‌زند که با اصول اخلاقی او و درک او از خیر و شر موافق می‌افتد.<sup>۷</sup> بدین‌سان، عمل او خودآیین خواهد بود، چراکه از درک و استدلال و اقتناع عقلانی او نشئت گرفته است و او خود به تصمیم نهایی برای خود رسیده است؛ تصمیمی که دیگری برای او نگرفته و به او دیکته نکرده است. او خود برای خود تصمیم گرفته و می‌تواند از آن دفاع استدلالی و اقناعی کند.<sup>۸</sup> به همین دلیل است که در موقعیت‌های مشابه می‌بینیم افراد مختلف تصمیم‌های متفاوتی می‌گیرند.

اما، برخلاف امر اخلاقی، امر حقوقی دگرآیین است. هنجار حقوقی داوری را به اشخاص نمی‌سپارد، بلکه قاطعانه و مقتدرانه تکلیف اشخاص را مشخص می‌کند. بنابراین در هر موقعیتی

1. UK Parliament, **Human Fertilisation and Embryology Act**, 2008, C. 22, §§ 43, 44.

2. Autonomy

3. Heteronomy

4. Personal

5. Institutional

6. See: MacCormick, op. cit., 1994.

7. See: Kant, op. cit.

8. See: Shadnam, M. "Choosing whom to be: Theorizing the scene of moral reflexivity." *Journal of Business Research* 110, 2020, pp 12-23.

9. Schneider, op. cit.

که قانونی درباره آن وضع شده است، افراد مکلفند مطابق دستور قانون عمل کنند و اما و آگری از سوی آنان پذیرفته نیست. پس در این مقام فرد برای خود تصمیم نمی‌گیرد، بلکه ملزم به پیروی از قانون است و قانون، فارغ از باورها و عقاید افراد، به یکسان برای همه تصمیم می‌گیرد.<sup>۱</sup> داوری نهایی همواره از آن هنجار حقوقی است و تأسیسات و نهادهایی در کارند تا چنین تصمیمی بگیرند و نیز برای این تصمیم تضمین بیرونی (یعنی قدرت سیاسی) وجود دارد؛ نهادهایی که مختصات هنجار حقوقی را مشخص کرده، آن را اجرا می‌کنند، درباره نقض یا عدم نقض آن تصمیم‌گیری می‌کنند یا منظور از آن را به روشنی تبیین و تفسیر می‌کنند؛<sup>۲</sup> نهادهایی که در حیطه اخلاق محلی از اعراب ندارند. پس به بیانی ساده اخلاق برای خود تصمیم گرفتن و حقوق برای دیگران تصمیم گرفتن است؛ اولی را فرد و دومی را نهاد انجام می‌دهد.<sup>۳</sup>

#### ۱.۴. ضمانت اجرا

در سال ۲۰۱۹ دانشمندی چینی به نام هی جیانکوی<sup>۴</sup> به جرم ویرایش ژن سه جنین به سه سال حبس محکوم شد. هی با استفاده از روش کریسپرکس<sup>۵</sup>، ژنوم جنین‌هایی را که با لقاح خارج رحمی گامت (سلول جنسی) یک زوج تشکیل شده بودند، ویرایش کرده بود. هدف هی ایجاد مصنوعیت در برابر ویروس اچ‌آی‌وی بود. او ژنی به نام CCR5 را هدف قرار داد که پروتئینی است روی سطح گلبول‌های سفید و در عملکرد سیستم ایمنی نقش دارد. ویروس اچ‌آی‌وی برای ورود به سلول از همین راه استفاده می‌کند. جهش CCR5 سبب مسدود شدن این مسیر و مقاومت انسان در برابر اچ‌آی‌وی می‌شود.<sup>۶</sup>

1. Fuller, L. L. *The Morality of Law*, Virginia: New Haven, 1978.
2. Raz, J., **Why the State?**, King's College London Dickson Poon School of Law Legal Studies Research Paper No. 2014-38; (2014). Available at [https://scholarship.law.columbia.edu/faculty\\_scholarship/1828](https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/1828) (Last visited on 12/19/2022), p. 6; McCormick, N. "Beyond Sovereign State", *Modern Law Review* 56 (1), 1993: 11; Berman, Mitchell N., "Of Law and Other Artificial Normative Systems", In Plunkett, D., Shapiro, S.J., Toh, K. (eds.), *Dimensions of Normativity: New Essays on Metaethics and Jurisprudence*, Oxford University Press, 2019, pp 137-164.
3. McCormick, op. cit., 1994.
4. He Jiankui
5. CRISPR/Cas9
6. CNN World, **Chinese scientist who edited genes of twin babies is jailed for 3 years**, (December 30, 2019), Available at <https://edition.cnn.com/2019/12/30/china/gene-scientist-china-intl-hnk/index.html> (Last visited on 8/29/2022).

دانشمندان درباره اینکه ایجاد مصونیت در برابر بیماری مصداق درمان است یا توان‌افزایی توافق ندارند.<sup>۱</sup> داوری اخلاقی در مورد عمل‌هی بسته به اینکه چه پاسخی به پرسش پیش‌گفته بدهیم، متفاوت خواهد بود. نقدهای اخلاقی جدی و شدیدی درباره توان‌افزایی مطرح شده‌اند. اما از بحث توان‌افزایی که بگذریم، ژن‌درمانی را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد: ژن‌درمانی بر روی سلول‌های بدنی/پیکری<sup>۲</sup> و ژن‌درمانی بر روی سلول‌های زایا.<sup>۳</sup> اهمیت اخلاقی این تقسیم‌بندی در آن است که در ژن‌درمانی سلول‌های پیکری، تغییرات حاصل از درمان تنها به همان فردی که تحت درمان قرار گرفته محدود می‌شود، اما در ژن‌درمانی سلول‌های زایا، این تغییرات، چون در گامت انجام شده‌اند، به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. ناگفته پیداست ژن‌درمانی سلول‌های زایا با چالش‌های اخلاقی جدی‌تر و سخت‌تری روبه‌روست، هرچند ایمنی و کارایی هیچ یک از این دو روش هنوز به طور کامل مشخص نشده‌اند.<sup>۴</sup>

در خبرهای مربوط آمده است که هی برای قدرت و منفعت شخصی دست به این کار زده است، اما خود او در ویدئویی، که آسوشیتدپرس در نوامبر ۲۰۱۸ ضبط کرده بود، گفت: «من می‌فهمم که کارم جنجال‌برانگیز خواهد بود، ولی باور دارم که خانواده‌ها به این فناوری نیاز دارند و من می‌خواهم به‌خاطر آنها انتقادها را به جان بخرم.»<sup>۵</sup> ناگفته پیداست که نیت واقعی هی از انجام این عمل احتمالاً هرگز بر ما آشکار نخواهد شد. با نگاهی به رضایت‌نامه‌هایی که هی از والدین نوزادان گرفته، این باور تقویت می‌شود که نیت او چندان اخلاقی نبوده است. با توجه به ابتلای پدر این نوزادان به ویروس HIV طبیعی است که والدین در پی راهی برای پیشگیری از انتقال این ویروس به فرزندانشان باشند؛ مطلوبی که به‌ظاهر در پروژه هی دست‌یافتنی می‌نمود.

1. Harris, J. *Enhancing Evolution: The Ethical Case for Making Better People*, Princeton: Princeton University Press, 2007: 56; Resnik, D.B., Langer, P.J. "Human Germline Gene Therapy Reconsidered", *Human Gene Therapy* 12(11), 2001, pp 1449-1458.

2. Somatic cells

3. Germ cells

۴. در روش اول تغییر ژن‌ها در سلول‌های پیکری مانند سلول‌های کبد یا عضلات انجام می‌شود و در روش دوم ژن‌درمانی بر روی اسپرم و تخمک صورت می‌پذیرد. نک: خسروی دارانی، کیانوش، سعید حسامی تکلو، مهشید جهادی، آلاله ذوقی و عاطفه قنبری، *فرهنگ توصیفی زیست‌فناوری*، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.

5. Chadwick, R. "The Perfect Baby: Introduction", In Chadwick, R. (ed.), *Ethics, Reproduction and Genetic Control*, London: Routledge, 1992, pp 103 & 117.

6. YouTube, **About Lulu and Nana: Twin Girls Born Healthy After Gene Surgery As Single-Cell Embryos**, (Nov 26, 2018), Available at: <https://www.youtube.com/watch?v=th0vnOmFltc> (Last visited on 8/29/2022).

اما دست کم دو مسئله اعتبار رضایت این والدین را زیر سوال می برد. نخست، پیشگیری از انتقال ویروس HIV به جنین با روش شست و شوی اسپرم<sup>۱</sup> قابل حصول است<sup>۲</sup> و نیازی به ویرایش ژن، که ایمنی آن هنوز ثابت نشده، نیست. دوم، والدین با شرکت در پژوهش هی چهل هزار دلار دریافت می کنند؛ مبلغی چشمگیر که مصداق «ترغیب بیش از حد»<sup>۳</sup> است و می تواند بر تصمیم گیری منطقی افراد و برآورد صحیح هزینه-فایده تأثیر بگذارد.<sup>۴</sup> باین همه، چه بسا هی، بی آنکه خود آگاه باشد، برای دستیابی به منافع شخصی اش توجیهات اخلاقی فراهم آورده باشد. به هرروی، آنچه از این داستان می توان دریافت آن است که عمل به باورها و قواعد اخلاقی پشتوانه و ضمانتی جز وجدان خود شخص ندارد.<sup>۵</sup> آدمی هنگامی عمل به اخلاق را به رغم دشواری های آن برمیگزیند و آن را بر منافع و امیال دیگرش ترجیح می دهد که از عمق جان به درستی عمل خود باور داشته باشد.<sup>۶</sup> تا جایی که سقراط در محاوره پروتاگوراس، آکراسیا<sup>۷</sup> (ضعف اراده) را انکار می کند و معتقد است «هیچ کس از روی اراده به سوی بدی نمی رود».<sup>۸</sup> اگر کسی واقعاً نسبت به درستی عملی علم داشته باشد، آن عمل را انجام می دهد.<sup>۹</sup>

اما، در نظام حقوقی، اطمینان از اجرای کامل قانون با وضع جریمه یا مجازات برای متخلف تضمین می شود.<sup>۱۰</sup> درحالی که انجام دادن تکالیف اخلاقی وابسته به وجدان فرد است، ضمانت اجرای قانون برخوردی قهری (با اتکا به قدرت سیاسی) و جریمه یا مجازات است.<sup>۱۱</sup> قانون

1. Sperm Washing

2. Savasi, V., Ferrazzi, E., Lanzani, C., Oneta, M., Parrilla, B., Persico, T. "Safety of sperm washing and ART outcome in 741 HIV-1-serodiscordant couples", *Human Reproduction* 22 (3), 2007, pp 772-777.

3. undue inducement

4. Krinsky, Sh. "Ten ways in which He Jiankui violated ethics", *Nature Biotechnology* 37(1), 2019, pp 19-20.

5. Giubilini, A. **Conscience**, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Summer 2022 Edition), Edward N. Zalta (ed.), Available at: <https://plato.stanford.edu/archives/sum2022/entries/conscience> (Last visited on 9/14/2022); Shavell, S. "Law Versus Morality as Regulators of Conduct", *American Law and Economics Review* 4(2), 2002, pp 231-232.

6. Butler, J. *Sermon XI upon the Love of our Neighbor, Fifteen Sermons*, Cambridge: Hilliard and Brown, 1726, pp 9.

7. Akrasia

8. Protagoras, 358d

9. Carey, J. "Akrasia, practical reason, and the diversity of motivation: A new defense of tripartition". *Eur J Philos* 27. 2019: 971- 981; Nagel, T. *The possibility of altruism*. Princeton: Princeton University Press, 1978, pp110-11.

10. McCormick, op. cit., p. 6.

11. Weinrib, op. cit., p 501;

کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، پیشین، صص ۶۲-۶۱.

نمی‌تواند صرفاً به وجدان اتکا کند؛ چراکه نه تنها تاریخ به تجربه نشان داده است هر جا ترس از مجازات در کار نباشد، به احتمال زیاد منافع شخصی بر مصالح اجتماعی می‌چربد،<sup>۱</sup> بلکه اساساً ایجاد و حفظ نظم عمومی و مصالح حیات جمعی بالنده ناممکن خواهد بود.<sup>۲</sup> این تفاوت در ضمانت اجرا لازمه حیثیت قاطع حقوق و قواعد حقوقی است. بدین‌سان، قانون متکی به اقتدار سیاسی است و این ویژگی حقوق را از سایر نظام‌های هنجاری متمایز می‌کند.<sup>۳</sup>

پروفسور مک‌کورمیک نیز، آنجا که می‌گوید اخلاق اقناعی<sup>۴</sup> و حقوق آمرانه<sup>۵</sup> است،<sup>۶</sup> به همین تفاوت اشاره دارد. فردی که در وضعیت تصمیم‌گیری قرار گرفته، باید همه عوامل تاثیرگذار را به‌دقت بسنجد و با بررسی دلایل مختلف و شنیدن استدلال‌های موافقان و مخالفان و تامل درباره آنها، به اقتناع درونی درباره درستی تصمیمی که اخذ می‌کند، برسد. تنها چنین تصمیمی را می‌توان اخلاقی خواند. عملی که به توصیه یا اجبار این و آن و بدون اندیشه و اقتناع انجام شود، واجد وصف اخلاقی نخواهد بود. به دیگر سخن، داوری اخلاقی در قالب گفت‌وگویی واقعی یا خیالی با دیگران شکل می‌گیرد، گفت‌وگویی که همه فاعلان اخلاقی، به یکسان، در آن حق مشارکت و اظهارنظر دارند.<sup>۷</sup> نتیجه نهایی این گفت‌وگو برای هر شخص گزاره‌ای است که با شنیدن استدلال‌های مختلف، درباره درستی آن قانع شده باشد. هر انسانی، به مثابه موجودی عاقل، باید به سنجش و توزین تحلیل‌های اخلاقی بنشیند و آنچه در این مقام، به اقتناع درون، درست و اخلاقی می‌یابد، جامعه عمل ببوشاند. از این‌رو، بسا که افراد درگیر در یک ماجرا نتوانند به

۱. نک: هابز، توماس، پیشین، ص ۱۷۱.

۲. یووال دیویس، نیرا و دیگران، **هم‌نشینی حق و عدالت: بازاندیشی در مفهوم هویت و فرهنگ**،

ترجمه شیوا بازرگان و دیگران، تهران: نگاه معاصر، زیرچاپ، مقدمه، ص ۹.

۳. کاتوزیان، ناصر، **فلسفه حقوق**، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، صص ۴۲۱-۴۲۰؛ کاتوزیان،

ناصر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران: دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۴۲؛ هرستر، **قانون و اخلاق**، صص ۳۲-۳۱؛ راسخ،

محمد، **بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری**، پیشین، ۱۳۹۰.

4. Discursive

5. Authoritative

6. MacCormick, op. cit., 1994.

7. MacCormick, N. "Institutional Normative Order: A Conception of Law", *Cornell Law Review* 82, 1997, p 1064.

اجماعی دربارهٔ تصمیم درست اخلاقی دست یابند و موفق به اقناع یکدیگر نشوند و در نتیجه، هریک به نفع یک داوری خاص استدلال و بر آن اساس عمل کند.<sup>۱</sup>

اما حقوق بر اقتدار حکومت تکیه دارد.<sup>۲</sup> هنجار حقوقی به پشتوانهٔ قدرت سیاسی، احکامی قاطع و الزام‌آور صادر می‌کند.<sup>۳</sup> به بیان دیگر، حقوق در پی حل‌وفصل قطعی تعارضات برآمده از مباحثات ماهوی هنجاری است و در این مسیر، تصور آنکه حکم نهایی نظام حقوقی مخالف برخی داوری‌های اخلاقی باشد، به‌هیچ‌وجه دور از ذهن نخواهد بود. قانون درگیر مدیریت چالش‌های روزمره و ابقای حیات جمعی آدمیان (در قالب کوشش برای تأمین و حفظ منافع فردی و جمعی و ایجاد توازن میان آنها) در یک جامعهٔ سیاسی است و نمی‌تواند معطل اجماع اخلاقی بماند.<sup>۴</sup> این سخن بدان معناست که هنجار حقوقی ممکن است مطابق یا مخالف هنجار اخلاقی باشد.<sup>۵</sup> حقوق برای تمشیت امور گاه به‌ناگزیر به برخی قواعد غیراخلاقی تن می‌دهد. افزون بر آن، قطعیت،<sup>۶</sup> نهایی‌بودن<sup>۷</sup> و قهرآمیز یا اقتداری بودن احکام نظام حقوقی، ضرورتاً نوعی از وحدت و انحصار را ایجاد می‌کند؛ چه آنکه در غیر این صورت همواره امر دایر میان چند پاسخ ممکن خواهد بود و تنظیم الزام‌آور روابط و پدیدارها ناممکن. همچنین هنگامی که با پاسخ‌های چندگانه روبه‌رو باشیم، انتظار پیروی هم‌ناخردانه است. بر این اساس، ضمانت اجرای قانون اقتداری و نهایی‌بودن احکام آن است.

از این‌رو، در میان جمعیتی واحد می‌توان از «اخلاق‌ها» یا «نظام‌های اخلاقی» متنوع و متکثر سخن گفت، ولی صحبت از اخلاق رسمی یا اخلاق معتبر در میان آنان خالی از معناست. اما این گونه‌گونی و تکثر را برای نظام حقوقی در جامعهٔ واحد نمی‌توان به رسمیت شناخت. در هر قلمرو سرزمینی با نظام سیاسی مشخص بیش از یک نظام حقوقی نمی‌تواند معتبر باشد.<sup>۸</sup>

1. Ibid, p. 1065; Schneider, op. cit.

2. Raz, J. *Ethics in the Public Domain: Essays in the Morality of Law and Politics*, Oxford: Clarendon Press, 1994.

3. MacCormick, op. cit., 1994; MacCormick, op. cit., 1997, p 1065.

4. See: Schneider, op. cit.

5. MacCormick, op. cit., 1994.

6. decisiveness

7. conclusive

۸. نک: راسخ، محمد، مهناز بیات کمیتکی و سارا محمدی، **نگاهی انتقادی به تکثرگرایی حقوقی**، فصلنامهٔ

تحقیقات حقوقی، آبان ۱۳۹۷، دورهٔ ۲۱، شماره ۸۳، صص ۶۳-۸۵



اخلاق و حقوق هرچند متباین‌اند، گمان نمی‌رود کسی بتواند تأثیر متقابل آنها را بر یکدیگر انکار کند؛ به‌ویژه سایه اخلاق بر حقوق چنان سنگین است که یکی از مکاتب اصلی نظری در باب حقوق، یعنی اثبات‌گرایی حقوقی،<sup>۱</sup> اساساً در مخالفت با این دیدگاه بنیادین حقوق طبیعی<sup>۲</sup> پا گرفت<sup>۳</sup> که اخلاق را مبنای قانون می‌دانست و مثلاً قانون ضد اخلاقی را- مانند آنچه در نظام آپارتاید آفریقای جنوبی، سیاه‌پوستان را از مشارکت در انتخابات منع می‌کرد- قانون به حساب نمی‌آورد. گرچه امروزه این گزاره که ضد اخلاقی بودن یک قانون آن را از اعتبار نمی‌اندازد، نسبتاً پذیرش عام یافته است، همچنان می‌توان نمودهای تأثیر ژرف اخلاق بر حقوق را به‌آسانی یافت. حکم اخلاقی مسائلی که جامعه درباره آنها به نوعی اجماع می‌رسد، غالباً صورت قانون به خود می‌گیرد. مثلاً دلیل ممنوعیت قانونی سقط جنین در بسیاری از جوامع آن است که اخلاق متعارف<sup>۴</sup> سقط جنین را ناپسند و خلاف اخلاق می‌یافته است. اما با گذر زمان ممکن است آنچه زمانی از مسلمات اخلاق متعارف جامعه بوده است، دیگر اعتبار عام نداشته باشد.<sup>۵</sup> در همان مسئله سقط جنین که مثال آوردیم، اکنون، بسیاری از اندیشمندان و به‌تبع مردم عادی ممنوعیت اخلاقی آن را زیر سؤال می‌برند و با آن مخالفت می‌کنند، باین‌حال قانون منع سقط جنین هنوز در کشورهای بسیاری معتبر است.<sup>۶</sup> این مثال نه‌تنها تأثیر اخلاق بر حقوق را نشان می‌دهد، بلکه تفاوت آنها را نیز برجسته می‌کند. گرچه یک هنجار اخلاقی می‌تواند به سرزمین حقوق سفر کند،<sup>۷</sup> ماهیت اخلاقی خود را نمی‌تواند حفظ کند.

1. Legal positivism

2. Natural law

3. Hart, H. L. A., "Positivism and the Separation of Law and Morals", *Harvard Law Review* 71(4), 1958, pp 593-629; Marmor, A. "Legal positivism: still descriptive and morally neutral", *Oxford Journal of Legal Studies* 26(4), 2006, pp 683-704.

4. Common morality

5. Warnock, M. *Dishonest to God*, London: Continuum, 2010, pp 90-91.

۶. برای نمونه، سقط جنین در لهستان ممنوع است، درحالی‌که طبق آمارها، اکثریت لهستانی‌ها معتقدند سقط جنین باید قانونی باشد:

Jelen, T.G., Clyde Wilcox. "Attitudes toward Abortion in Poland and the United States", *Social Science Quarterly* 78 (4), 1997: 907-21; Notes from Poland, **Majority of Poles support abortion protests and popularity of ruling party has dropped, polls show**, (2020), Available at: <https://notesfrompoland.com/2020/11/01/majority-of-poles-support-abortion-protests-and-popularity-of-ruling-party-has-dropped-polls-show/> (Last visited on 8/28/2022).

7. See: Le Mintier, B.F. "The Journey from Ethics to Law: The Case of Euthanasia", In Rehmann-Sutter C. et al. (eds.), *Bioethics in Cultural Contexts*, The Netherlands: Springer, 2006, pp 121-128.

به دیگر سخن، هنجار اخلاقی با ورود به قلمروی حقوق تغییر ماهیت می‌دهد و به هنجاری حقوقی با همه ویژگی‌های خاص آن، مثلاً دگرآیینی، اقتدارگرایی و قطعیت<sup>۱</sup> یا نهایی‌بودن، چنان که توضیح دادیم، تبدیل می‌شود. حال آنکه، درباره مسئله‌ای خاص، در یک جامعه واحد، دستگاه‌های اخلاقی مختلف می‌توانند هنجارهای متفاوت و متعارضی را در خود جای دهند،<sup>۲</sup> وجود چند قانون درباره مسئله‌ای واحد (مگر قوانینی که مکمل یکدیگرند)، در یک نظام حقوقی، ناممکن و بی‌معنی است.<sup>۳</sup>

در حوزه اخلاق زیستی ممکن است درباره مسئله‌ای خاص بنابر تحلیل‌های متفاوت، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شود، ولی تنها یک قانون یا مقرر الزام‌آور در سرزمین می‌تواند درباره آن مسئله وجود داشته باشد، که احتمالاً جانب یکی از مواضع ماهوی نظری در باب موضوع را اتخاذ کرده است. برای نمونه می‌توان به قانون جواز اهدای عضو یا اهدای جنین اشاره کرد. در هر واحد سیاسی تنها امکان وجود یک نوع قانون و مقرر در این باب وجود دارد، ولی در همین واحد امکان وجود انواع احکام اخلاقی در آن خصوص هست.

چنان که آمد، هدف این پژوهش تحذیر از خلط انواع هنجار در قلمرو زیست‌پزشکی، به‌ویژه میان احکام و قواعد اخلاقی و حقوقی، است. برای درک بهتر این مطلب توضیح دو نمونه متداول این گونه خلط‌ها، یعنی موضوع حق‌های زیستی و سلامت عمومی، بسیار راه‌گشا به نظر می‌رسد.

## ۲. نوع سوم

نمونه‌های متداول پیش‌گفته، چنان که در زیر خواهند آمد، در واقع زمینه‌ساز بحث از نوع سومی از بایدها هستند که در مجال دیگر باید بحثی تفصیلی در آن باب ارائه کرد. مهم آن است که ذکر این موارد به توجه ظریف به قسم‌های مختلف «باید» کمک خواهند کرد.

### ۲.۱. حق

مفهوم حق در ترکیب‌هایی مانند حق بر آزادی بیان و حق بر تعیین سرنوشت یا به‌طور کلی در حقوق بشر و حقوق شهروندی بسیار آشنا و بدیهی به نظر می‌رسد، تا آنجا که شاید باور به این

1. decisiveness

2. Schneider, op. cit.

۳. نک: راسخ و دیگران، نگاهی انتقادی به تکررگرایی حقوقی، پیشین.

ادعا که حق در ترکیب‌های یادشده مفهومی مدرن است، دشوار بنماید. به دیگر سخن، به‌رغم آنکه ریشه‌های شکل‌گیری این مفهوم را می‌توان تا سده دوازدهم میلادی پی گرفت، عمدتاً در سده بیستم معنای دقیق کنونی را یافته است.<sup>۱</sup> حق در این معنای جدید در مقابل تکلیف قرار می‌گیرد، حال آنکه پیش از آن حق در مقابل باطل به کار می‌رفت. با این وصف، حق داشتن<sup>۲</sup> و حق شخصی<sup>۳</sup> معادل معنای جدید حق، در مقابل حق بودن<sup>۴</sup> و حق عینی<sup>۵</sup> معادل معنای قدیمی آن، هستند.<sup>۶</sup> توجه به این تفکیک برای درک نسبت میان حق و اخلاق ضروری است؛ زیرا با اینکه هر دو مفهوم حق در قلمرو بایدانگار و هنجاری جای می‌گیرند، حق در معنای مدرن (حق داشتن) برخلاف حق در معنای قدیم (بر حق بودن) در دایره اخلاق نمی‌گنجد؛ چراکه مفهومی است اخلاقاً بی‌طرف.<sup>۷</sup> اما برای توضیح بیشتر نسبت حق و اخلاق سزاوار است نخست تعریفی از حق پیش نهاده و سپس نسبتش با اخلاق سنجیده شود. از این پس، مراد از واژه حق، حق در معنای مدرن کلمه (حق داشتن) خواهد بود، مگر آنکه تصریح شود معنای دیگری منظور است. مقصود از حق «ادعای تضمین‌شده و حاکم» است.<sup>۸</sup> یعنی ادعایی که قدرت سیاسی، فارغ از محتوایش، از آن حمایت می‌کند. یکی از اقتضات روابط انسانی تعارض منافع و ادعاهاست و حق یکی از ابزارهایی است که برای رفع این تعارض‌ها ابداع شده است.<sup>۹</sup> بدین ترتیب، عدالت

۱. برای نمونه، نک: گلدینگ، مارتین پی، «مفهوم حق (۱): درآمدی تاریخی»، ترجمه محمد راسخ، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۱، تهران، نشر نی، ۱۳۹۷، ویراست دوم، چاپ اول، صص ۱۷۹-۱۹۵؛

Edmundson, W.A. *An Introduction to Rights*, Cambridge: Cambridge University Press, 2004, pp 3-14.

2. Having right  
3. Subjective right  
4. Being right  
5. Objective right

۶. راسخ، محمد، «حق» و «تکلیف» در عصر قدیم و جدید»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در*

*فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۲، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

۷. راسخ، محمد، «نظریه حق»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۲، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۳، صص ۲۸۹-۲۴۱.

۸. همان، ص ۲۴۴؛

James, S. "Rights as Enforceable Claims." *Proceedings of the Aristotelian Society* 103, 2003, pp 133-47.

9. Fletcher, G.P. "Law and morality: a Kantian perspective", *Columbia Law Review* 87(3), 1987, p 546.

اقتضا می‌کرده است که برای آنکه این تعارض‌ها همواره به نفع طرف قوی‌تر خاتمه نیابد، قدرت سیاسی برای حفظ برابری و کرامت انسان‌ها، با ابزار حق، به پشتیبانی از طرف ضعیف‌تر برخیزد؛ بدان معنا که صاحب حق، فارغ از محتوای ادعای درون ظرف حق، بتواند ادعای خود را اعمال کند. گزارهٔ اخیر، یعنی عدم تأثیر محتوای حق بر تفوق آن بر ادعاهای رقیب، بدان معناست که حق نسبت به اخلاق بی‌طرف است.<sup>۱</sup> یعنی حق اخلاق‌گریز یا غیراخلاقی<sup>۲</sup> است و البته غیراخلاقی غیر از اخلاق‌ستیز یا ضداخلاقی<sup>۳</sup> است. نظامی که حق افراد بر حریم شخصی را به رسمیت می‌شناسد، دخالت در خلوت اشخاص را ممنوع می‌کند، حتی اگر عملی خلاف اخلاق در آن خلوت انجام شود. پس حق برخلاف اخلاق، نسبت به خوب و بد بی‌اعتنا و لااقتضاست.<sup>۴</sup> اما چنان‌که گفتیم جهت‌گیری اخلاق به سوی خوبی است و هرگز در برابر بدی ساکت نمی‌ماند. با این توضیح روشن می‌شود که چرا در تحلیل‌ها و استدلال‌های اخلاقی نمی‌توان از مفهوم حق یاری گرفت. به رسمیت شناختن حق از سوی اخلاق به آن معناست که اخلاق به بی‌اخلاقی تن در دهد و این به زبان منطق یعنی تناقض.<sup>۵</sup>

## ۲.۲. سلامت عمومی

به روال پیشین می‌کوشیم استناد به مبحث سلامت عمومی در استدلال‌های اخلاق زیستی را نیز با طرح مثال توضیح دهیم. یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مباحثی که در سلامت عمومی مطرح می‌شود، بحث بیماری‌های عفونی است. بیماری‌های عفونی می‌توانند مسری باشند<sup>۶</sup> و همین ویژگی اهمیت آنها را در سلامت عمومی دوچندان می‌کند. فرد مبتلا به بیماری عفونی، بسته به نوع بیماری، می‌تواند یک یا چند نفر دیگر را آلوده کند و بدین ترتیب تهدیدی برای سلامت همهٔ افراد جامعه به شمار آید. ویروس کرونا (کووید-۱۹) را در نظر بگیرید که چند سال

1. See: Waldron, J. "A right to do wrong", *Ethics* [Special Issue on Rights] 92(1), 1981, pp 21-39.

2. amoral or non-moral

3. immoral

4. Weinrib, op. cit., p 502.

۵. راسخ، محمد و دیگران، **امر اخلاقی و حق**، پیشین.

6. See: **The Difference between 'Contagious' and 'Infectious'**, The Britannica Dictionary, Available at: <https://www.britannica.com/dictionary/eb/qa/The-Difference-between-Contagious-and-Infectious> (Last visited on 9/4/2022).

است زندگی عادی را در همه دنیا مختل کرده است.<sup>۱</sup> از آنجا که روش انتقال این ویروس بسیار آسان است، یک فرد آلوده می‌تواند چند فرد دیگر را آلوده کند. از سوی دیگر، چنان‌که شواهد نشان می‌دهند، حدود ۱۵ درصد از مبتلایان به مراقبت‌های ویژه پزشکی نیاز پیدا می‌کنند که اگر به‌موقع رسیدگی نشوند مرگ آنان بسیار محتمل خواهد بود.<sup>۲</sup> همین ویژگی‌ها اتخاذ سیاست‌های ویژه‌ای را برای مقابله با شیوع بیشتر آن ضرورت می‌بخشند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به نظارت، الزام استفاده از ماسک، نمونه‌گیری و آزمایش اجباری، درمان یا واکسیناسیون اجباری، گزارش به مراجع ذی‌ربط، جداسازی فردی، قرنطینه نواحی درگیر یا محدودیت رفت‌وآمد و مسافرت اشاره کرد.<sup>۳</sup> اما همه این موارد، در صورت اجرا، حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را نقض می‌کنند. باین‌حال، در چنین مواردی این محدودیت‌ها را با توسل به مفهوم مصلحت عمومی<sup>۴</sup> توجیه می‌کنند. تأمین حداقل بهداشت عمومی یکی از مصادیق مصلحت عمومی است؛ چراکه بدون حداقلی از بهداشت، کیان زندگی جمعی به خطر می‌افتد.<sup>۵</sup>

سرفصل «سلامت عمومی» در غالب کتاب‌های اخلاق زیستی به چشم می‌خورد.<sup>۶</sup> حال آنکه، براساس توضیحی که درباره اخلاق ارائه دادیم، مسائلی از قبیل آنچه درباره بیماری‌های عفونی اشاره کردیم، در قالب اخلاق زیستی نمی‌گنجد. طرح مسائل سلامت عمومی زیرعنوان اخلاق زیستی نمونه همان آشفتگی مفهومی و تحلیلی است که به پیچیدگی مسائل می‌افزاید. مصلحت عمومی - که تأمین حداقل بهداشت عمومی از مصادیق آن است - اخلاقاً بی‌طرف است؛ چراکه غایت آن تأمین منافع و مصالح همه جامعه است و نمی‌تواند هیچ گروه یا دسته‌ای از افراد را به

1. See: **Coronavirus**, Wikipedia, The Free Encyclopedia, Available at: <https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Coronavirus&oldid=1105090163> (Last visited on 10/4/2022).

2. Auld, S.C., Caridi-Scheible, M., Blum, J.M., et al. "ICU and ventilator mortality among critically ill adults with coronavirus disease 2019", *Critical care medicine* 20, 2020: 1-6.

3. Selgelid, M.J. "Ethics and Infectious Disease", *Bioethics* 19(3), 2005, pp 272-89.

4. Public Interest

۵. راسخ، محمد و مهناز بیات کمیتی، **مفهوم مصلحت عمومی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، اسفند ۱۳۹۰،

دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص ۱۱۹-۹۳؛

Chia, T., O. I. Oyeniran. "Human health versus human rights: an emerging ethical dilemma arising from coronavirus disease pandemic", *Ethics, Medicine, and Public Health* 14, 2020: 1-2; Benditt, T.M., "The Public Interest", *Philosophy and Public Affairs* 2(3), 1973, pp 291-311.

6. See: Singer, P. A. (ed.), *The Cambridge Textbook of Bioethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008; Steinbock, B. (ed.), *The Oxford Handbook of Bioethics*, New York: Oxford University Press, 2007.

دلیل باورهای اخلاقیشان کنار بگذارد.<sup>۱</sup> «مصلحت عمومی امری هنجاری (بایدانگار) است، اما به قلمرو امر درست (حق) تعلق دارد، نه به قلمرو امر خوب (خیر)».<sup>۲</sup> قلمرو امر درست (حق)، قلمرو عدالت و قلمرو امر خوب (خیر)، قلمرو اخلاق است.<sup>۳</sup> عدالت و اخلاق، هرچند هر دو در اقلیم بایدها خانه دارند، از دو جنس متفاوت‌اند. تأمین مصلحت عمومی جز به دست حکومت و با استفاده از قدرت سیاسی ممکن نمی‌شود. بنابراین مفاهیم و اصولی مانند لزوم تأمین و حفظ بهداشت عمومی را که اساساً زیرعنوان قواعد آمره می‌گنجد و با استفاده از قدرت سیاسی الزام و اعمال می‌شوند، نمی‌توان زیر عناوین اخلاقی به معنای دقیق کلمه به میان آورد؛<sup>۴</sup> چراکه الزام و جبر اساساً با چیستی و گوهر اخلاق در تضاد است.

- 
۱. راسخ، محمد، **مبانی و نظام حقوق سلامت عمومی در وضعیت اضطرار**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، آبان ۱۴۰۰، دوره ۲۴، شماره ۹۵، صص ۵۷-۷۹، ص ۷۳.
۲. راسخ، محمد و مهناز بیات کمیتکی، **مفهوم مصلحت عمومی**، پیشین.
۳. راسخ، محمد، «آزادی چون ارزش»، در: راسخ، محمد، **حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش**، جلد ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸، ویراست دوم، چاپ اول، صص ۲۶۹-۲۹۱.
4. Soloviev V. S. *Politics, Law, and Morality: Essays by V.S. Soloviev*, edited and Translated by Vladimir Wozniuk, Yale: Yale University Press, 2000, pp 141-143.

## نتیجه‌گیری

پیش‌بینی و توجه به پیامدهایی که عدم تفکیک تحلیلی اخلاق زیستی و حقوق زیستی - و به‌طور عام اخلاق و حقوق - و خلط آنها احتمالاً در پی خواهند آورد، ضرورت و اهمیت دغدغه این پژوهش را آشکار می‌کند. چالش‌های اخلاقی برآمده از به‌کارگیری علوم و فنون زیستی در همه‌ی مظاهر حیات در این دنیا امروزه بیش از هر زمان دیگری گریبان‌آدمیان را گرفته و آنان را با پرسش‌هایی دشوار و پیچیده سردرگم رها کرده است. نگاهی به شمار قابل توجه پرونده‌های قضایی که به نحوی با علوم و فناوری‌های زیستی جدید ارتباط دارند، در دادگاه‌های سراسر دنیا<sup>۱</sup> و چگونگی رسیدگی به آنها لزوم تفکیک اخلاق و حقوق را بهتر به ما می‌نمایاند. فارغ از اختلاف‌نظرهای اخلاقی، بسیاری از دعوای حقوقی در حوزه زیست‌فناوری به دلیل خلأ قانون رخ می‌دهند. در نبود قانون رای قاضی بسیار تعیین‌کننده خواهد بود و قاضی‌ای که بی‌توجه به تمایز یاد شده حکم صادر می‌کند، چه‌بسا دیدگاه اخلاقی خود را در صدور رأی دخالت دهد و اخلاق را به‌جای قانون بنشانند. نتیجه‌ی آشکار این خلط هنجارها تحمیل باورهای اخلاقی طرف برنده بر طرف بازنده و نقض آزادی او در تصمیم‌گیری اخلاقی خواهد بود.

در دیگر سو، در نبود آزادی هم بنیان اخلاق در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛ چراکه بدون تضمین اراده‌ی آزاد افراد اساساً «امکان» حیات اخلاقی فراهم نمی‌آید.<sup>۲</sup> چنین اتفاقی در روند قانون‌گذاری نیز می‌تواند رخ دهد. فناوری‌های نوظهور به مرحله‌ی کاربرد و عمل وارد می‌شوند و اختلاف‌نظرها و دعوای به‌تدریج رخ می‌نمایند، بی‌آنکه هنوز قانونی برای روشن کردن تکلیف دعوای وجود داشته باشد. اساساً شاید بتوان ادعا کرد که روند عادی قانون‌گذاری همین است: پدیده‌ای ظهور می‌کند و رواج می‌یابد، آنگاه مسائلی پیرامون آن شکل می‌گیرند و گاه چنان جدی و محل اختلاف می‌شوند که در برخی موارد ضرورت به دخالت مرجعی مقتدر می‌افتد. سپس قانون‌گذار برای حل و فصل اختلاف‌ها و تعیین چارچوب برای تعاملات مربوط اقدام به وضع قانون می‌کند، یا آنکه بر اساس آرای صادره از سوی دادگاه‌ها رویه‌ی قضائی در این زمینه شکل می‌گیرد. در این جایگاه هم خلط مقام اخلاق و قانون به نقض بی‌طرفی و سوگیری قانون به

1. Rich, B.A., "Introduction Bioethics in Court", *Journal of Law, Medicine & Ethics* 33(2), 2005, pp 194-7.

۲. راسخ، محمد، آزادی چون ارزش، پیشین.

جانب یک دیدگاه اخلاقی- و غالباً دیدگاه اخلاقی مسلط در جامعه- می‌انجامد. مثلاً قانونی که حکم به ممنوعیت سقط جنین می‌دهد، در مقابل دیدگاه اخلاقی «آزادی اراده»<sup>۱</sup> جانب دیدگاه اخلاقی «تقدس حیات»<sup>۲</sup> (دو دیدگاه از میان دیدگاه‌های اخلاقی مشهور در باب سقط جنین) را گرفته است.<sup>۳</sup> درحالی‌که تصمیم‌گیری درباره سقط جنین به قلمرو «امر خوب» تعلق دارد، نه به قلمرو «امر درست». بدین ترتیب، سیاست به‌جای آنکه بستری را فراهم کند برای هم‌زیستی دیدگاه‌های متنوع اخلاقی، عرصه را بر آنها که اخلاقی متفاوت- با اخلاق حاکم- را معقول و قانع‌کننده می‌یابند تنگ می‌کند. نظامی که در آن برخی اخلاق‌ها مجال نفس کشیدن و ابراز وجود نمی‌یابند قطعاً از عدالت به دور است.

بنابراین، آگاهی از تمایز حقوق و اخلاق و جدی گرفتن این تمایز، افزون بر غنا بخشیدن به دیدگاه‌های رقیب اخلاقی در این حوزه و کوشش برای بر پا بودن نظام‌های رقیب اخلاقی در جامعه‌ای واحد، از حیث حقوقی به‌ویژه در مقام قانون‌گذاری، قضاوت و اجرا به شکل‌گیری قوانین، مقررات و رویه‌های الزام‌آور بی‌طرفانه یاری می‌رساند، نظام حقوقی را کارآمدتر می‌کند و آن را در مسیر آرمان عدالت قرار می‌دهد. باری، بحث تفصیلی و فراگیر از اجزای مختلف و مبانی و لوازم «نوع سوم» پیش‌گفته را به مجال دیگر وامی‌گذاریم.

1. Pro choice

2. Pro life

۳. درباره سقط جنین و دیدگاه‌های اخلاقی پیرامون آن، نک: راسخ، محمد، **جدال حیات: بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین**، فصلنامه باروری و ناباروری، تابستان ۱۳۸۲، صص ۲۲۰-۲۳۶.



## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. پورمحمدی، نعیمه، *ژن بد! اخلاق آزمایش غربالگری و سقط جنین گزینشی*، قم: کتاب طه، ۱۳۹۹.
۲. خسروی دارانی، کیانوش، سعید حسامی تکلو، مهشید جهادی، آلاله ذوقی و عاطفه قنبری، *فرهنگ توصیفی زیست‌فناوری*، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.
۳. راسخ، محمد، *بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۴. راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۲، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۵. راسخ، محمد، ««حق» و «تکلیف» در عصر قدیم و جدید»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳، چاپ دوم.
۶. راسخ، محمد، «نظریه حق»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳، چاپ دوم.
۷. راسخ، محمد، «آزادی چون ارزش»، در: راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، جلد ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸، ویراست دوم، چاپ اول.
۸. سندل، مایکل، *عدالت: کار درست کدام است؟*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۹۳.
۹. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

۱۱. کاتوزیان، ناصر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران: دادگستر، ۱۳۷۷.
۱۲. کانت، ایمانوئل، **فلسفه فضیلت**، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ ششم، ۱۳۹۹.
۱۳. گلدینگ، مارتین پی، «مفهوم حق (۱): درآمدی تاریخی»، ترجمه محمد راسخ، در: راسخ، محمد، **حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش**، جلد ۱، تهران، نشر نی، ویراست دوم، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۴. لاک، جان، **رساله‌ای درباره حکومت**، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
۱۵. نیگل، تامس، **اخلاق‌شناسی**، ترجمه جواد حیدری، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۳.
۱۶. هابز، توماس، **لویاتان**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۷. هارت، هربرت، **مفهوم قانون**، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
۱۸. هرستر، دتلف، **قانون و اخلاق**، ترجمه محمدحسن خویشتن‌دار، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۴۰۰.
۱۹. یووال دیویس، نیرا و دیگران، **هم‌نشینی حق و عدالت: بازاندیشی در مفهوم هویت و فرهنگ**، ترجمه شیوا بازرگان و دیگران، تهران: نگاه معاصر، زیر چاپ.
- مقاله
۲۰. راسخ، محمد، تسخیری، مائده، اسکندری، علیرضا، عامری، فائزه، **امر اخلاقی و حق**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۸، شماره ۸۷، صص ۴۷-۱۹.
۲۱. راسخ، محمد، بیات کیمتکی، مهناز، محمدی، سارا، **نگاهی انتقادی به تکثرگرایی حقوقی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، آبان ۱۳۹۷، دوه ۲۱، شماره ۸۳، صص ۶۳-۸۵.
۲۲. راسخ، محمد، بیات کیمتکی، مهناز، **مفهوم مصلحت عمومی**، مجله تحقیقات حقوقی، اسفند ۱۳۹۰، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص ۱۱۹-۹۳.
۲۳. راسخ، محمد، **مبانی و نظام حقوق سلامت عمومی در وضعیت اضطرار**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، آبان ۱۴۰۰، دوره ۲۴، شماره ۹۵، صص ۵۷-۷۹.

۲۴. راسخ، محمد، **جدال حیات: بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین**، فصلنامه باروری و ناباروری، تابستان ۱۳۸۲، صص ۲۲۰-۲۳۶.

### ب) منابع انگلیسی

#### Books

25. Annas, J. "Virtue Ethics", in Copp, D. (ed.), *The Oxford Handbook of Ethical Theory*, Oxford: Oxford University Press, 2006.
26. Asch, A., Wasserman, D. "Where is the Sin in Synecdoche?" In Wasserman, D., Wachbroit, R.S., and Bickenbach, J.E. (eds.), *Quality of life and human difference: genetic testing, health care, and disability*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
27. Berman, Mitchell N., "Of Law and Other Artificial Normative Systems", In Plunkett, D., Shapiro, S.J., Toh, K. (eds.), *Dimensions of Normativity: New Essays on Metaethics and Jurisprudence*, Oxford University Press, 2019.
28. Bix, B., *A Dictionary of Legal Theory*, Oxford: Oxford University Press, 2004.
29. Brake, E. *Minimizing Marriage: Marriage, Morality, and the Law*, New York: Oxford University Press, 2012.
30. Butler, J. *Sermon XI upon the Love of our Neighbor, Fifteen Sermons*, Cambridge: Hilliard and Brown, 1726.
31. Case, M. "Abortion, the Disabilities of Pregnancy, and the Dignity of Risk", In Cohen, I., Shachar, C., Silvers, A., Stein, M. (eds.), *Disability, Health, Law, and Bioethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2020.
32. Chadwick, R. "The Perfect Baby: Introduction", In Chadwick, R. (ed.), *Ethics, Reproduction and Genetic Control*, London: Routledge, 1992.
33. Edmundson, W.A. *An Introduction to Rights*, Cambridge: Cambridge University Press, 2004.
34. Fuller, L. L. *The Morality of Law*, Virginia: New Haven, 1978.
35. Gert, B. *Morality, It's Nature and Justification*, Oxford: Oxford University Press, 2005.
36. Harris, J. *Enhancing Evolution: The Ethical Case for Making Better People*, Princeton: Princeton University Press, 2007.
37. Kant, I., *Groundwork of the Metaphysics of Morals*, Translated and Edited by Mary Gregor, Cambridge: Cambridge University Press, 1997.
38. Le Mintier, B.F. "The Journey from Ethics to Law: The Case of Euthanasia", In Rehmann-Sutter C. et al. (eds.), *Bioethics in Cultural Contexts*, The Netherlands: Springer, 2006.
39. Louden, R. B. *Morality and moral theory: A reappraisal and reaffirmation*, Oxford: Oxford University Press, 1992.

40. MacCormick, N. "Comment", In Gavison, R. (ed.), *Issues in Contemporary Legal Philosophy: The Influence of H. L. A. Hart*, Oxford: Clarendon Press, 1987.
41. Nagel, T. *The possibility of altruism*. Princeton: Princeton University Press, 1978.
42. Overall, Ch. *Why Have Children?: The Ethical Debate*, Cambridge Mass: MIT Press, 2012.
43. Raz, J. *Ethics in the Public Domain: Essays in the Morality of Law and Politics*, Oxford: Clarendon Press, 1994.
44. Steinbock, B. (ed.), *The Oxford Handbook of Bioethics*, New York: Oxford University Press, 2007.
45. Singer, P. A. (ed.), *The Cambridge Textbook of Bioethics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
46. Soloviev V. S. *Politics, Law, and Morality: Essays by V.S. Soloviev*, edited and Translated by Vladimir Wozniuk, Yale: Yale University Press, 2000.
47. Warnock, M. *Dishonest to God*, London: Continuum, 2010.
48. Williams, B. *Ethics and the Limits of Philosophy*, London: Routledge, 2006.

#### Articles

49. Auld, S.C., Caridi-Scheible, M., Blum, J.M., et al. "ICU and ventilator mortality among critically ill adults with coronavirus disease 2019", *Critical care medicine* 20, 2020, pp 1-6.
50. Bayefsky, M. "Who should regulate preimplantation genetic diagnosis in the United States?", *AMA Journal of Ethics* 20 (12), 2018, pp 1160-7.
51. Baiocco, R., Carone, N., Ioverno, S., Lingiardi, V. "Same-Sex and Different-Sex Parent Families in Italy: Is Parents' Sexual Orientation Associated with Child Health Outcomes and Parental Dimensions?", *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics* 39 (7), 2018, pp 555-563.
52. Benditt, T.M., "The Public Interest", *Philosophy and Public Affairs* 2(3), 1973, pp 291-311.
53. Carey, J. "Akrasia, practical reason, and the diversity of motivation: A new defense of tripartition", *Eur J Philos* 27, 2019, pp 971– 981.
54. Chia, T., O. I. Oyeniran. "Human health versus human rights: an emerging ethical dilemma arising from coronavirus disease pandemic", *Ethics, Medicine, and Public Health* 14, 2020, pp 1-2.
55. Coleman, J.L., "Negative and Positive Positivism", *The Journal of Legal Studies* 11(1), 1982, pp 139–164.
56. Dahl, E. "The 10 most common objections to sex selection and why they are far from being conclusive: a Western perspective", *Ethics, Law and Moral Philosophy of Reproductive Biomedicine* 2 (1), 2007, pp 158–161.

57. Dworkin, R. "Lord Devlin and the enforcement of morals", *The Yale Law Journal* 75 (6): 1966, pp 986-1005.
58. Fletcher, G.P. "Law and morality: a Kantian perspective", *Columbia Law Review* 87(3), 1987, pp 533-558.
59. Hart, H. L. A., "Positivism and the Separation of Law and Morals", *Harvard Law Review* 71(4), 1958, pp 593-629.
60. James, S. "Rights as Enforceable Claims." *Proceedings of the Aristotelian Society* 103, 2003, pp 133-47.
61. Jelen, T.G., Clyde Wilcox. "Attitudes toward Abortion in Poland and the United States", *Social Science Quarterly* 78 (4), 1997, pp 907-21.
62. Korsgaard, C.M. "Kant's Analysis of Obligation: The Argument of Foundations I", *The Monist* (73), 1989, pp 311-340.
63. Kranz, D. "On the Attribution of Parental Competence: Parents' Behavior Matters, not Their Sexual Orientation", *J Child Fam Stud*, 2022.
64. Krinsky, Sh. "Ten ways in which He Jiankui violated ethics", *Nature Biotechnology* 37(1), 2019, pp 19-20.
65. MacCormick, N. "Institutional Normative Order: A Conception of Law", *Cornell Law Review* 82, 1997, pp 1051-1071.
66. MacCormick, N. "The Concept of Law and 'The Concept of Law'", *Oxford Journal of Legal Studies* 14(1), 1994, pp 1-23.
67. MacCormick, N. "Beyond Sovereign State", *Modern Law Review* 56 (1), 1993, pp 1-18.
68. Marmor, A. "Legal positivism: still descriptive and morally neutral", *Oxford Journal of Legal Studies* 26(4), 2006, pp 683-704.
69. Prusa, A-R, Kasper, D. C., Sawers, L., Walter, E., Hayde, M., Stillwaggon, E. "Congenital toxoplasmosis in Austria: Prenatal screening for prevention is cost-saving". *PLOS Neglected Tropical Diseases* 11 (7), 2017, pp 1-24.
70. Resnik, D.B., Langer, P.J. "Human Germline Gene Therapy Reconsidered", *Human Gene Therapy* 12(11), 2001, pp 1449-1458.
71. Rich, B.A., "Introduction Bioethics in Court", *Journal of Law, Medicine & Ethics* 33(2), 2005, pp 194-7.
72. Rogers, W., Ballantyne, A., Draper, H. "Is sex-selective abortion morally justified and should it be prohibited?", *Bioethics* 21, 2007, pp 520-4.
73. Savasi, V., Ferrazzi, E., Lanzani, C., Oneta, M., Parrilla, B., Persico, T. "Safety of sperm washing and ART outcome in 741 HIV-1-serodiscordant couples", *Human Reproduction* 22 (3), 2007, pp 772-777.
74. Schneider, C.E. "Moral discourse, bioethics, and the law", *The Hastings Center Report* 26 (6), 1996, pp 37-39.

75. Selgelid, M.J. "Ethics and Infectious Disease", *Bioethics* 19(3), 2005, pp 272–89.
76. Shadnam, M. "Choosing whom to be: Theorizing the scene of moral reflexivity." *Journal of Business Research* 110, 2020, pp 12-23.
77. Shavell, S. "Law Versus Morality as Regulators of Conduct", *American Law and Economics Review* 4(2), 2002, pp 227-257.
78. Stabile, M., Allin, S. "The Economic Costs of Childhood Disability", *The Future of Children* 22, 2012, pp 65–96.
79. Unisa, S., Pujari, S., Usha, R. "Sex Selective abortion in Haryana: Evidence from pregnancy history and antenatal care", *Economic and Political Weekly* (6), 2007, pp 60-6.
80. Wald, N. J., Kennard, A., Hackshaw, A., McGuire, A. "Antenatal screening for Down's syndrome", *Health Technology Assessment* 2, 1998, pp 181-246.
81. Waldron, J. "A right to do wrong", *Ethics* [Special Issue on Rights] 92(1), 1981, pp 21-39.
82. Weinrib, E.J. "Law as a Kantian idea of reason", *Columbia Law Review* 87(3), 1987, pp 472-508.

#### Internet Sources

83. Austrian Institute for Health Technology Assessment (aihta), **Regulation and financing of prenatal screening and diagnostic examinations for fetal anomalies in selected European countries: Policy Brief**, Vienna (April 2022), available at: [https://eprints.aihta.at/1369/1/Policy%20Brief\\_012.pdf](https://eprints.aihta.at/1369/1/Policy%20Brief_012.pdf) (Last visited on 8/21/2022).
84. Austrian Federal Chancellery, **Family Guide: Services for families in Austria**, Vienna (2019), Available at: <https://www.familienberatung.gv.at/en/topics/FamilienGuide.html> (Last visited on 8/27/2022).
85. BBC, Homosexuality: **The countries where it is illegal to be gay**, 12 May 2021, Available at <https://www.bbc.com/news/world-43822234> (Last visited on 8/28/2022).
86. CNN World, **Chinese scientist who edited genes of twin babies is jailed for 3 years**, (December 30, 2019), Available at: <https://edition.cnn.com/2019/12/30/china/gene-scientist-china-intl-hnk/index.html> (Last visited on 8/29/2022).

87. **Coronavirus**, Wikipedia, The Free Encyclopedia, Available at <https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Coronavirus&oldid=1105090163> (Last visited on 10/4/2022).
88. Gert, B., Gert, J. **The Definition of Morality**, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2017 Edition), Edward N. Zalta (ed.), Available at <https://plato.stanford.edu/archives/fall2017/entries/morality-definition/> (Last visited on 12/19/2022).
89. Giubilini, A. **Conscience**, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Summer 2022 Edition), Edward N. Zalta (ed.), Available at <https://plato.stanford.edu/archives/sum2022/entries/conscience> (Last visited on 9/14/2022).
90. <https://exclusiveivfcyprus.com/ivf-treatments/pgd-for-gender-selection/> (Last visited on 8/17/2022).
91. Hursthouse, R., Glen P. **Virtue Ethics**, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2022 Edition), Edward N. Zalta & Uri Nodelman (eds.), Available at <https://plato.stanford.edu/archives/win2022/entries/ethics-virtue/> (Last visited on 12/19/2022).
92. KNEWS, The English Edition of Kathimerini Cyprus, **Sex selection in Cyprus raises ethical issues**, (October 2018), Available at <https://knews.kathimerini.com.cy/en/news/sex-selection-in-cyprus-raises-ethical-issues>, (Last visited on 8/17/2022).
93. Notes from Poland, **Majority of Poles support abortion protests and popularity of ruling party has dropped, polls show**, (2020), Available at <https://notesfrompoland.com/2020/11/01/majority-of-poles-support-abortion-protests-and-popularity-of-ruling-party-has-dropped-polls-show/> (Last visited on 8/28/2022).
94. OHCHR, UNFPA, UNICEF, UN Women and WHO, **Preventing gender-biased sex selection: an interagency statement**, (2012), available at <https://www.who.int/publications/i/item/9789241501460> (Last visited on 8/16/2022).
95. Raz, J., **Why the State?**, King's College London Dickson Poon School of Law Legal Studies Research Paper No. 2014-38; (2014), Available at [https://scholarship.law.columbia.edu/faculty\\_scholarship/1828](https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/1828) (Last visited on 12/19/2022).
96. **The Difference between 'Contagious' and 'Infectious'**, The Britannica Dictionary, Available at

<https://www.britannica.com/dictionary/eb/qa/The-Difference-between-Contagious-and-Infectious> (Last visited on 9/4/2022).

97. United Nations, **Programme of Action of the International Conference on Population and Development**, New York (1994), Paragraph 4.16. Available at [https://www.unfpa.org/sites/default/files/event-pdf/PoA\\_en](https://www.unfpa.org/sites/default/files/event-pdf/PoA_en). (Last visited on 8/16/2022).
98. YouTube, **About Lulu and Nana: Twin Girls Born Healthy After Gene Surgery As Single-Cell Embryos**, (Nov 26, 2018), Available at <https://www.youtube.com/watch?v=th0vnOmFltc> (Last visited on 8/29/2022).
- World Bank Group, **Azerbaijan Systematic country diagnostic**, Washington, D.C. (2015), p. 94, Available at <http://hdl.handle.net/10986/23105> (Last visited on 8/21/2022).

#### Acts

99. The Federal Assembly of the Swiss Confederation, **Federal Act on Medically Assisted Reproduction**, 18 Dec. 1998, Status as of 1 July 2022.
100. The Federal Assembly of the Swiss Confederation, **Federal Act on the Registered Partnership between Same-Sex Couples**, 18 June 2004, Status as of 1 July 2022.
101. UK Parliament, **Human Fertilisation and Embryology Act**, 2008, C. 22.